

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

یونس نگاه- کابل

۲۱ می ۲۰۱۹



یونس نگاه

فرار ملا نصرالدین از چاردهی

در زمان ملا نصرالدین دارالامان را چاردهی می‌گفتند. محله ای سرسبز بود. جوی‌های آب، شاخه‌های زردآلو، سایه‌های بید و کردهای گندمش تماشائی بود. ملا نصرالدین برای آبادی چاردهی چند درجن گاو و چندین درجن خر را در یک طویله بزرگ دواتاقه گردآورده بود. قرار بود گاوها کردها را شخم بزنند و خرها حاصلات را به خانه‌ها، آسیاب‌ها، گدام‌ها و بازارها ببرند. اما وضعیت خلاف میل ملا پیش رفت. گاوها و خرها به‌جای شخم زدن و بار بردن تمام چاردهی را جغل کرده می‌چریدند، حتی سرگین‌شان را نیز باید اهالی چاردهی پاک می‌کردند.

ساکنان چاردهی به چهار گروه تقسیم شده بودند. گروه اول علف و دانه می‌کاشتند، گروه دوم علف و دانه را به طویله می‌بردند و از آنجا سرگین به باغ‌های چاردهی می‌کشیدند. گروه سوم در مسیر طویله و باغ امنیت گاوها و خرها را تأمین می‌کردند و گروه چهارم از میان سرگین گاو و خران دانه‌های باقی‌مانده را چیده به ساکنان می‌دادند تا زنده بمانند و برای طویله کار و پیکار کنند.

هر چند سال یکبار برای تنظیم امور داخلی طویله انتخابات برگزار می‌شد. ترسناکترین و دزدترین باشندگان طویله خود را کاندید می‌کردند. چاردهی را تب می‌گرفت. بیشتر علف‌کاران، سرگین‌جمع‌گران، محافظان و آنانی که از میان سرگین دانه می‌چیدند به دو دسته تقسیم می‌شدند. دسته اول می‌گفتند چاردهی ترس کم دارد، تمام بدبختی ما ناشی از بی‌ترسی است و باید ترسناکترین کاندید رئیس طویله شود. دسته دیگر می‌گفت چاردهی دزد کم دارد و باید دزدترین کاندید به این مقام برسد.

ملا این وضعیت را هفده سال تاب آورد. در سال هجدهم بی‌دستار و بی‌چپلک، سرلج و پای لچ چاردهی را ترک گفت و به کوه قورغ پناه برد.